

آیا ایران می‌تواند کشاورزی را تعطیل کند؟

بحران آب در ایران، ایده‌های رادیکالی را به ذهن مدیران کشور متبادر کرده است که یکی از آنها، کاهش تولیدات کشاورزی در ایران، یا به عبارت خودمانی، تعطیل کردن کشاورزی در ایران است. اما برای کشوری که حدود ۲.۵ میلیون نفر از جمعیت آن با کشاورزی امرار معاش می‌کنند، آیا ایده‌های شبیه به این اساساً ممکن است؟

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد مهدی حاتمی نوشت: سایه بحران آب یک بار دیگر بر سر ایران افتاده و گویی بعد از ۲ سال پر بارش، دوباره یادمان افتاده که ایران در سراسر تاریخ مدون خود، همواره سرزمینی خشک و بی آب بوده است. این روزها، صحبت از جیره بندی آب به میان آمده و اینکه ممکن است ذخیره پشت سدها، در شهرهایی مانند اصفهان و یزد، تا آخر تابستان هم کفاف ندهند و آب شرب، حتی در پایتخت هم به مرحله جیره بندی برسد.

وضعیت بی اندازه وخیم است

اما وضعیت منابع آبی ایران در سال جاری واقعاً تا چه حد وخیم است؟ نخست اینکه وخامت بحران آب در ایران را می‌توان از دست‌کم دو منظر مختلف مورد بررسی قرار داد. کارشناسان هیدرولوژی و محیط زیست می‌گویند بروز «تنش آبی» برای «انسان»، به این معنی است که «محیط زیست» پیش از این وارد وضعیتی شده که از دریافت «حق‌آبه» یا «حقابه» خود محروم شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در گزارشی که چندی پیش منتشر شده بود، تصویری از وخامت بحران آب در ایران به دست داده است. بر اساس این گزارش، در نیمی از مناطق شش‌گانه آبی در کشور، میزان ذخایر آب پشت سدها به شدت افت کرده و به سطوح نگران‌کننده‌ای رسیده و این در حالی است که تنها ۵۸ درصد از ذخایر سدهای کشور پر شده است.

استان‌های «اصفهان»، «هرمزگان»، «سیستان و بلوچستان»، «اردبیل»، «فارس»، «مرکزی» و «خراسان رضوی» تنها برخی از استان‌های در معرض تنش آبی هستند که در این گزارش به آن‌ها اشاره شده است. به عنوان نمونه، سد «استقلال» در استان هرمزگان، از مجموع حدود ۱۱۶ میلیون متر مکعب ظرفیت خود، تنها ۴۸ درصد آب‌گیری داشته و در قیاس با مدت مشابه سال ۱۳۹۹، حدود ۵۱ درصد کاهش در ذخایر آبی را شاهد بوده است.

سد بسیار بزرگ «زاینده‌رود» در استان اصفهان هم با وجود ظرفیت ۳۳۳ میلیون متر مکعبی، تنها ۲۷ درصد آب‌گیری داشته و این فاجعه در میزان ذخایر این سد در حالی رخ داده که در مقایسه با فروردین ماه سال گذشته، افتی ۳۲ درصدی در میزان آب‌گیری را هم شاهد بوده است.

ما چگونه ایران را خشک کردیم؟

با این همه، پژوهش‌های مستقل در خارج از کشور، تصویری حتی به مراتب ترسناک‌تر، از وضعیت بحران آب در ایران به دست می‌دهند. داده‌های یک مقاله علمی کاملاً جدید که در مجله معتبر و مشهور «نیچر» منتشر شده، نشان می‌دهد که ایران در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ میلادی، معادل ۲ برابر مساحت دریاچه ارومیه در پرآب‌ترین حالت آن، از سفره‌های آب زیرزمینی کشور استحصال کرده است.

برآوردهای علمی مورد اشاره در این مقاله نشان می‌دهند که از میان کشورهای منطقه غرب آسیا، وضعیت بحران آب در ایران، در زمره بدترین‌ها قرار دارد. داده‌های این مقاله حاکی از آن هستند که میزان کاهش منابع آبی در حوضه‌های آبریز در ایران، در فاصله زمانی مورد اشاره، به حدود ۷۴ کیلومتر مکعب می‌رسد.

هر کیلومتر مکعب آب، معادل ۱ تریلیون لیتر آب است و ۷۴ کیلومتر مکعب، معادل ۷۴ تریلیون لیتر آب، عددی که ۱۲ صفر دارد. این تقریباً معادل با ۲ برابر حجم آبی است که در پرآب‌ترین وضعیت، در دریاچه ارومیه وجود داشته است (حدود ۴۶ کیلومتر مکعب در سال ۱۹۹۶ میلادی).

از آن‌سو، تقریباً تمامی حوضه‌های آبریز اصلی در ایران در بازه زمانی ۱۴ ساله مورد مطالعه، کاهش حجم داشته‌اند، کاهش حجمی که بین ۲۰ درصد تا ۲ هزار و ۶۰۰ درصد از منابع آبی این حوضه‌های آبریز را در بر می‌گیرد.

بالاترین افت در ذخایر آبی در حوضه آبریز «کویر نمک» رخ داده که حدود ۲۶ درصد از جمعیت ایران را هم در خود جای داده است. ذخایر آب در این حوضه آبریز، در بازه ۱۴ ساله مورد مطالعه، حدود ۲۰ کیلومتر مکعب کاهش پیدا کرده‌اند.

این در حالی است که حوضه آبریز «بختگان» در استان فارس، که حدود ۳.۵ درصد از جمعیت ایران را بر می‌گیرد، با افت حدود ۲ هزار و ۶۰۰ درصدی، بیشترین «درصد» افت در ذخایر آبی را در این مدت تجربه کرده است. در مقابل، حوضه آبریز «هراز-قره‌سو» در شمال ایران، که حدود ۴ درصد از جمعیت ایران را در بر می‌گیرد، کمترین میزان کاهش در ذخایر آبی (معادل حدود ۲۰ درصد) را تجربه کرده است.

راه حل رادیکال: کشاورزی در ایران باید تعطیل شود

اما آیا راه حلی هم برای خروج از این وضعیت متصور است؟ ساده‌ترین راه حل، پیدا کردن منابع آبی جدید است و ظاهراً مدیران دستگاه‌های مربوطه، تلاش دارند این راه حل را امتحان کنند. اما این راه حلی است که قبلاً امتحان شده و نتیجه اش چیزی جز بحران کنونی نبوده است.

ساخت کارخانه‌های فولاد در دل بیابان و کاشت برنج در استان‌هایی نظیر استان اصفهان، آن هم به مدد تخلیه کردن سفره‌های آب زیرزمینی، نتیجه افکار و ایده‌هایی مشابه در دهه‌های گذشته بوده و اکنون هم، طرح‌های انتقال آب از خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، در دستور کار است. این در حالی است که کارشناسان نسبت به این طرح‌ها هم هشدار داده اند و اینکه عاقبتی به جز عاقبت کنونی، در انتظار این طرح‌ها هم نخواهد بود.

برای کاهش درد و رنج بحران آب در ایران، اما گاهی راه‌حل‌های رادیکال‌تری هم به ذهن برخی می‌رسد. همین چند هفته پیش، نایب‌رئیس انجمن مس ایران خواستار کنار گذاشتن کشاورزی در ایران و توسعه معادن کوچک، به عنوان زمینه شغلی برای کشاورزان، در مناطق کمتر توسعه یافته ایران شد.

کورش شعبانی، با بیان این‌که منطق اقتصادی این است که معادن جایگزین کشاورزی شوند گفته بود: «ایران بین عرض جغرافیایی ۲۵ تا ۴۵ درجه قرار دارد و کشور کم آبی محسوب می‌شود و ما در زمینه کشاورزی، به جهت مصرف بالای آب، مزیتی نداریم. به همین جهت، توسعه معادن کوچک در مناطق کمتر توسعه‌یافته، می‌تواند علاوه بر اشتغال‌زایی، باعث صرفه‌جویی در مصرف آب شود.»

به گفته نایب‌رئیس انجمن مس ایران، با یک و نیم لیتر آب در ثانیه، امکان فعالیت معدن و اشتغال‌زایی در مناطق محروم فراهم می‌شود و این در حالی است که از نظر تعداد، اکثریت معادن ایران کوچک‌مقیاس هستند و می‌توانند در این زمینه به کار گرفته شوند.

تعطیل کردن کشاورزی در ایران، بی‌نهایت دشوار است

این، اما اولین باری نیست که پیشنهاد کنار گذاشتن کشاورزی در ایران مطرح می‌شود. طرفداران این ایده می‌گویند ظرفیت‌های زیست محیطی ایران برای پاسخگویی به نیاز غذایی یک جمعیت ۸۵ میلیون نفری کافی نیست و اگر ما به همین رویه ادامه بدهیم، سال به سال وضعیت نگران‌کننده‌تری از ناحیه بحران آب گریبان ما را خواهد گرفت.

در زمان آغاز به کار دولت یازدهم، زمره‌هایی برای تشویق کشاورزان به تغییر شغل به گوش می‌رسید و وقتی ۹۵ درصد از مساحت دریاچه ارومیه به شوره‌زار بدل شد، دولت یارانه‌هایی به کشاورزان منطقه پرداخت کرد که کشت را موقتاً کنار بگذارند تا سفره‌های آب زیرزمینی در حوضه آبریز ارومیه نفسی بکشند.

از طرفی، برای کشوری که بر اساس آمارهای رسمی، دست‌کم ۹ درصد از نیروی کار آن (حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر) در بخش کشاورزی به فعالیت مشغول هستند، کنار گذاشتن کشاورزی یک شوک عادی نیست و می‌تواند بحران‌های اجتماعی به دنبال داشته باشد.

اما ممکن است راه حل میانه‌ای هم وجود داشته باشد. بر این اساس، دولت سیزدهم باید صدها هزار میلیارد تومان تسهیلات آبیاری قطره‌ای در اختیار کشاورزان مناطق مختلف کشور قرار دهد و صدها هزار میلیارد تومان هم برای توسعه کشاورزی گلخانه‌ای هزینه کند.

«کشت فراسرزمینی» هم که اجرای آن حدود یک دهه پیش به ذهن مدیران رسیده بود، قابلیت اجرایی دارد، اما پیش از آن، باید مسائل سیاست خارجی ایران حل شوند. هر چه باشد، به نظر می‌رسد فرصت تاخیر در زمینه سیاست‌های مرتبط با آب، برای ایران بسیار کاهش پیدا کرده است.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: فرارو